مروری نقادانه برمقالات تحقیقاتی کیفی در مرحله داوری مجلات: یک مطالعه کیفی توصیفی اکتشافی

مسعود بهرامی*

چکیده

مقدمه: محققان ایرانی به شکل روزافزونی به انجام تحقیقات کیفی و انتشار مقالات منتج از آن در حوزه سلامت، علاقه پیدا کرده‌اند. با این وجود مطالعه‌ای نقادانه بر مقالات کیفی در مرحله داوری مجلات ایرانی یافت نشد. هدف این پژوهش مروری نقادانه بر مقالات کیفی در مرحله داوری مجلات بود.

روش‌ها: این مطالعه کیفی از نوع توصیفی اکتشافی در یک دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ انجام شده است. بیش از ۱۱۰مقاله که از سوی چند مجله ایرانی برای داوری به نویسنده این مقاله ارسال شده بود، مورد تحلیل کیفی قرار گرفت. موضوعات این مقالات عمدتا در ارتباط با پرستاری، مامایی و آموزش در علوم پزشکی بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از دو مرحله کدگذاری باز (open coding) و محوری (axial coding) اشتروس و کوربین (Strauss and Corbin) انجام شد.

نتایج: مشکلات شایع موجود در مقالات مورد بررسی، عدم بیان خلاء (چالش) در مطالعات قبلی، عدم بیان تجارب قبلی یا علائق پژوهشگر و فقدان یک پیام جدید یا جذاب بود که تحقیق در واقع برای انتقال آن پیام انجام شده است. از مشکلات دیگر می‌توان به انتخاب روش‌شناسی نامناسب، عدم ذکر جزییات کافی از روش‌های مورد استفاده و بالاخره عدم اشباع کافی طبقات اصلی اشاره کرد.

نتیجه‌گیری: مشکلات طبقه‌بندی شده در مقالات مورد بررسی کاملاً با یکدیگر مرتبط است به نحوی که یک مشکل منجر به توسعه مشکل دیگر شده است. علاوه برمسائل مربوط به نگارش مقاله، بسیاری از مشکلات به مرحله اجرای عملیات تحقیق مربوط می‌شد. یافته‌های این مطالعه می‌تواند به عنوان راهنمای محققان جهت انجام و گزارش بهتر نتایج طرح‌های تحقیقاتی کیفی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: تحقیقات کیفی، ژورنالیسم پزشکی، مقاله کیفی، داوری مقاله، پرستاری، آموزش پزشکی، تحقیق کیفی توصیفی – اکتشافی

مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی/ مرداد ۱۳۹۳؛ ۱٤(٥): ٤۱۱ تا ٤۲۲

مقدمه

در حال حاضر محققان، اساتید و دانشجویان گروه پزشکی خصوصاً در مقاطع تحصیلات تکمیلی پرستاری و مامایی به دلایل مختلف به انجام تحقیقات کیفی (qualitative research) اقبال نموده‌اند. یکی از شایع‌ترین استدلال‌هایی که در بیش‌تر این مطالعات(۱و۲) جهت ضرورت انجام مطالعه مطرح می‌شود، محدود بودن تحقیقات در موضوع موردنظر به طور کلی و یا انجام تحقیق قبلی با رویکرد کمی (quantitative research) اعلام می‌شود. محققان سپس نتیجه‌گیری می‌کنند که لزوم به انجام تحقیق هرچه بیش‌تر از نوع کیفی احساس می‌شود تا درک عمیق‌تری از پدیده موردنظر حاصل شود.

* **نویسنده مسؤول:** دکتر مسعود بهرامی (دانشیار)، گروه پرستاری بزرگسالان، دانشکده پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.bahrami@nm.mui.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۹/۲۵، تاریخ اصلاحیه: ۹۳/۱/۱۲، تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۲۲

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-10]

این توجه به حوزه تحقیقات کیفی در نگاه اول ارزشمند و می‌تواند در کنار توجه به تحقیقات کمی منجر به درک وسیع‌تر و عمیق‌تر از پدیده موردنظر گردد. این همان چیزی است که محققان به اصطلاح با رویکرد ترکیبی (mixed-methods research) به دنبال آن هستند تا بتوانند با توسل به هر دو رویکرد کیفی و کمی، مفاهیم پیچیده خصوصاً در حوزه سلامت را هر چه بهتر اکتشاف و فاکتورهای مؤثر بر آنها را همزمان هر چه بیش‌تر توضیح دهند(۳).

اما با یک نگاه موشکافانه‌تر می‌توان دریافت که تعدادی از تحقیقات کیفی و مقالات منتج از آن، از حداقل‌های لازم درانجام مطالعه یا گزارش نتایج در قالب یک مقاله برخوردار نیستند. هر چند بسیاری از این مقالات از نظر علمی و تخصصی حاوی نکات ارزشمندی هستند اما مشخص است که برخی نویسندگان با اصول اولیه تحقیقات کیفی آشنا نبوده‌اند. این ناآشنایی با اصول و مفاهیم اولیه تحقیقات کیفی، در کنار سایر عوامل از جمله اشتهای روزافزون محققان برای چاپ سریع مقالات در مجلات و شاید عدم اطلاع یا عدم رعایت پاره‌ای از نکات اخلاقی، باعث شده که تهیه و تولید مقالات کیفی به عنوان امری سهل‌الوصول و به راه‌کاری جهت بر طرف کردن نیازهای فوری محققان تبدیل شود. نتایج تحقیقات کیفی در پاره‌ای از موارد، مورد انتقاد محققان کمی قرار گرفته است. این منتقدان بر این باورند که تحقیقات کیفی در مقایسه با مطالعات کمی، روش‌شناسی چندان مشخصی نداشته، با تعداد مشارکت‌کننده بسیار کم انجام شده و نتایج حاصل از آن ممکن است چندان قابلیت استفاده در موقعیت‌های مشابه را نداشته باشد(٤و٥).

نویسنده این مقاله بیش از ۷ سال سابقه داوری برای مجلات مختلف در حوزه سلامت داخل کشور را داشته و با مسائل و مشکلات مقالات کمی و کیفی تا حدودی آشنا شده است. هر چند مقالاتی کمی هم مسائل و مشکلات خاص خود و در نتیجه منتقدان پر و پا قرص خود را دارد، اما برای اهداف این نوشتار، نویسنده قصد نقد مقالات کمی را ندارد. اکنون بعد از گذشت زمانی نسبتاً طولانی از داوری و نقد مقالات کیفی، به خوبی مشهود است که بسیاری از مشکلات تقریباً در اکثر مقالات کیفی در مرحله داوری در حال تکرار شدن بوده و به اصطلاح معروف محققان کیفی، احساس اشباع در زمینه وجود مشکلاتی مشترک در این مقالات وجود دارد. مشکلات و موانع مرتبط با انجام تحقیقات کیفی و راهکارهای ارتقای، مورد توجه نویسندگان مختلفی در نقاط مختلف جهان قرار گرفته است(٦تا١١). با این وجود مطالعه‌ای که در آن مرور و نقادی بر مقالات کیفی که در زمینه فرهنگی ایرانی – اسلامی در حوزه سلامت انجام شده باشد، چه در مرحله پیش از انتشار(داوری) و چه بعد از انتشار مقاله، یافت نشد.

هدف کلی از این نوشتار نقدی نسبتاً عمیق‌تر بر مسائل و مشکلات موجود در مقالات کیفی در حوزه سلامت است که توسط محققان کیفی برای مجلات ارسال شده و سپس توسط مسؤولین مجلات به فرآیند داوری وارد شده‌اند. از نقطه نظر اهداف کاربردی، این مقاله دارای یک رویکرد اصلاحی و با هدف کمک به نویسندگان جهت ارتقای کیفی مقالات خود قبل از ارسال برای مجلات نگاشته شده است. همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، بسیاری از این مقالات دارای ارزش تخصصی بالا بوده و به خوبی مشهود است که فرآیند تحقیق با زحمات فراوان انجام شده و مقاله حاوی مطالب کاربردی خوبی است. با این وجود بسیاری از این نکات ارزشمند و عمیق ممکن است در زیر لایه ایرادات مختلف خصوصاً روش‌شناسی مدفون شده و در نتیجه مقاله از گردونه بررسی های بعدی مجلات و در نتیجه پذیرش خارج شوند. به این ترتیب صدای بسیاری از مخاطبان ارزشمند از جمله بیماران دردمند، فراگیران با مشکلات یادگیری و اساتیددردآشنا به فراموشی سپرده می‌شود. لذا آشنایی نویسندگان با بعضی از این مشکلات، ممکن است از تکرار

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-10]

آنها در مرحله انجام تحقیق و انتشار گزارش آنها جلوگیری کند.

جمع‌بندی مشکلات مقالات کیفی، برای مدیران و سردبیران مجلات مرتبط با سلامت نیز می‌تواند سودمند باشد. با توجه به محدودیت داوران و خصوصاً داوران آشنا به تحقیقات کیفی، با تجربه و علاقه‌مند، این نقد می‌تواند از ارسال بیهوده بسیاری از مقالات به چرخه داوری و اتلاف وقت هیأت تحریریه مجلات، داور و نویسنده جلوگیری کند. همچنین نکات مورد تأکید در این مقاله می‌تواند به عنوان راهنمایی در سیاست‌گذاری مجلات لحاظ شده و در صورت لزوم جهت تصمیم‌گیری در موارد مختلف از جمله پیشنهاد نوع روش تحقیق و نحوه نگارش مقالات کیفی مورد استفاده قرار گیرد.

روش‌ها

این مطالعه کیفی از نوع توصیفی اکتشافی (descriptive exploratory qualitative research) است. باید توجه داشت که در پاره‌ای از موارد، محقق به دلایلی از جمله کمبود وقت یا منابع موجود، امکان انجام کامل یکی از روش‌های اصلی تحقیق کیفی نظیر پدیدارشناسی (phenomenology)، تئوری پایه (grounded theory)، یا قوم‌شناسی (ethnography) را ندارد. با این وجود مفهوم موردنظر از لحاظ تخصصی مهم و ضرورت بررسی عمیق پیرامون آن وجود دارد. یکی از راه‌کارهای پیشنهادی، استفاده از روش‌های کیفی نسبتاً منعطف‌تر از جمله روش کیفی توصیفی اکتشافی است که جدیدا در ادبیات تحقیقات کیفی خصوصاً پرستاری و مامایی مورد توجه قرار گرفته است. در این رویکرد، محقق می‌تواند از یک دیدگاه فلسفی خاص پیروی بکند یا این که مطالعه خود را بر اساس یک رویکرد فلسفی خاص بنا نکند(٦).

از نظر روش نیز محقق می‌تواند به جای استفاده از تمامی جنبه‌های تحقیق اصلی کیفی تنها جنبه‌هایی از روش‌های اصلی تحقیق کیفی را برای جمع‌آوری، تحلیل و اطمینان از صحت اطلاعات مورد استفاده قرار دهد. این تحقیقات از ارزش کم‌تری نسبت به تحقیقات اصلی کیفی برخوردار نبوده و می‌تواند اطلاعات غنی را از مشارکت‌کنندگان فراهم کند(٧). برای مثال تعدادی ازروش‌های تئوری پایه که خیلی مورد استفاده محققان روش توصیفی- اکتشافی قرار گرفته می‌توان به نمونه‌گیری تئوریک (theoretical sampling)، اشباع تئوریک (theoretical saturation)، تحلیل مقایسه‌ای مداوم داده‌ها (constant comparative data analysis)، یادداشت‌برداری‌های میدانی (field notes) و کد گذاری صرفاً در حد دو مرحله کدگذاری باز و محوری (بدون ارائه مضمون اصلی و تئوری) اشاره کرد. در زمانی که بعضی از اجزاء تئوری پایه استفاده می‌شود، می‌توان به آن "رویکرد مبتنی بر تئوری پایه" (grounded theory approach) نیز اطلاق کرد(١و١٢).

در این مطالعه ٥٠ مقاله با رویکرد کیفی از مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان (Iranian Journal of Medical Education)، ٥٠ مقاله مربوط به مجله ایرانی تحقیقات در پرستاری و مامایی (Iranian Journal of Nursing and Midwifery Research) وابسته به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و ١٠ مقاله از سایر مجلات ایرانی مورد بررسی قرار گرفت. این مقالات در یک دوره زمانی بین نیمه دوم سال١٣٨٧ تا خرداد ماه ١٣٩٢برای داوری بدون ذکر نام نویسنده (blind review) به نویسنده این نوشتار ارسال شده بود. پاسخ‌های داوری مقالات از آرشیو نویسنده بر روی کامپیوتر یا آنچه به صورت نوشتاری در زونکن مربوطه وجود داشت استخراج و مورد تحلیل قرار گرفت. در موارد معدودی (١٣ مورد) نویسنده کارشناس مسؤول تأیید نهایی انجام اصلاحات مقالات نیز بود. در این موارد، نظر سایر داوران محترم نیز برای محقق ارسال می‌شد و لازم بود تا محقق در جریان نظرات آنها قرار گرفته و آنها را جمع‌بندی کند.

نحوه تحلیل بر اساس آنچه که در مقالات قبلی ذکر شده

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-10]

است(۲و۱۲)، با استفاده از دو مرحله کدگذاری باز (open coding) و محوری (axial coding) اشتروس و کوربین (Strauss and Corbin) انجام شد. بر این اساس پیشنهادات اصلاحی به مقالات، چندین بار مرور شد تا درک عمیقی از مشکلات مشترک آنها حاصل گردد. البته نویسنده به عنوان یک مسأله مهم برای مدتی طولانی با این موضوع اشتغال ذهنی داشته و درک نسبتاً عمیقی از مشکلات مشترک این مقالات پیدا کرده بود. در مرحله اول بیش از ۱۰۰۰ پیشنهاد اصلاحی (کامنت) از پاسخ به نویسندگان استخراج گردید و هر کدام به عنوان یک کد در نظر گرفته شد. کدهای مربوط به هریک از بخش‌های چکیده، مقدمه (ضرورت)، روش، نتایج و بحث یافته‌ها دسته‌بندی گردید. در مرحله بعد ضمن مرور، مشکلات مشترک و بیش‌تر تکراری در هر بخش نگه‌داری و موارد با تکرار کم‌تر کنار گذاشته شد. در مرور نهایی کدهای باقیمانده، کدهای مشترک در هم ادغام و طبقات نهایی مبتنی بر مشکلات شایع به دست آمد. در بیان طبقات نهایی، به جای آن که مشکلاتی که در هر بخش مقاله (چکیده، مقدمه، روش، نتایج، بحث) وجود دارد به صورت مجزا ذکر شود، از روش ترکیبی استفاده شد. به نحوی که هر طبقه در واقع در بردارنده مشکلاتی است که ممکن است از قسمت‌های مختلف مقاله استخراج شده باشد.

برای اطمینان از صحت طبقات به دست آمده (trustworthiness)، جدا از طولانی بودن اشتغال ذهنی نویسنده با مشکل موردنظر (prolonged engagement)، طبقات با چند نفر دیگر از اساتیدی که خود به عنوان داور درگیر در ارزیابی مقالات کیفی بودند و همین‌طور تعدادی از اساتید آشنا با تحقیقات کیفی، به شکل کتبی و حضوری مورد بررسی مجدد (debriefing) peer قرار گرفت. اصلاحات پیشنهادی پس از بحث مکفی، در صورت ضرورت، اعمال و در نهایت اجماع نسبی بر طبقات نهایی صورت گرفت. برای افزایش اعتماد به نتایج، در این مقاله سعی گردیده است تا پیشینه محقق، جزییات روش‌ها و روند استقرایی رسیدن به طبقات تا حد امکان به طور واضح بیان و طبقات با مثال‌های مناسب حمایت گردد. همچنین در انتهای بحث، محدودیت‌های پیش روی نویسنده ذکر گردیده تا این فرصت برای خواننده فراهم گردد تا در مجموع در مورد قابلیت انتقال یا کاربرد یافته‌ها به موقعیت‌های مشابه (transferability) قضاوت کند. با توجه به این که بخش عمده‌ای از داوری مقالات در مجلات مورد بررسی به صورت الکترونیکی انجام شده، نظرات داوری موجود در آرشیو مجلات مربوط به نویسنده این مقاله و سایر داوران، می‌تواند به عنوان منبعی برای تأیید (conformability) و یا تکمیل یافته‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

نتایج

بررسی کدها منجر به توسعه طبقات زیر گردید: ۱- عدم بیان خلاء موجود۲- عدم بیان تجربیات و علایق محقق ۳- عدم نوآوری موضوع ٤- دیدگاه فلسفی (روش‌شناسی مطالعات) نامناسب ٥- عدم بیان جزییات روش و ٦- اشباع ناکافی اطلاعات. در هر طبقه علاوه بر بیان مشکلات، دلایل احتمالی ایجاد آنها و پیشنهادات اصلاحی ارائه خواهد شد و به نوعی بحث مختصری در مورد آنها انجام می‌شود. هر جا که لازم باشد، طبقات با مثال‌هایی از پیشنهادات ارائه شده به نویسندگان مورد حمایت قرار می‌گیرد. سپس در قسمت بحث اصلی، مجموعه یافته‌ها با یکدیگر با تمرکز بر راه‌کارهایی جهت رفع موانع و انتشار سریع‌تر و بهینه‌تر مقالات، مورد بررسی و پیشنهادات کلی ارائه می‌گردد.

۱- عدم بیان خلاء موجود

یکی از مشکلات اساسی که در بسیاری از مقالات داوری شده در بخش‌های مختلف از جمله چکیده و همین‌طور مقدمه (بخش ضرورت یا زمینه) به چشم می‌خورد، توجه به اهمیت مسأله و بیان مسائلی نظیر دلایل انجام تحقیق و

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-10]

توضیح در مورد پیامدهای منفی عدم بررسی موضوع اما به فراموشی سپردن مطالعات قبلی انجام شده در این زمینه و خلاء موجود در این مطالعات است که ضرورت مطالعه را ایجاب کرده است.در نتیجه این‌گونه محققان در قسمت بحث نیز قادرنبوده‌اند به طور واضح بگویند که نتایج تحقیق آنها چه مطلب جدیدی را به دانش کنونی اضافه کرده است. بسیاری از نویسندگان مقالات کیفی ضمن کلی‌گویی، اشاره می‌کنند که لزوم تحقیقات کیفی در این زمینه برای درک عمیق‌تر از پدیده موردنظر احساس می‌شود. برای مثال به یکی از پیشنهادات ارائه شده در داوری یک مقاله توجه کنید:

"در مقدمه به بیان مسأله پرداخته شده و اشاره‌ای به سوابق مطالعات قبلی که نشان دهنده چالش موجود باشد نشده است. لازم است که جستجوی بیش‌تری در این مورد انجام شود و مقالات مشابه (کمی و کیفی) در ایران و سایر نقاط جهان یافت و مورد نقادی قرار گیرد".

در زمینه تبیین خلاء باید توجه داشت که اولا تحقیقات کیفی در خارج از ایران (هر چند با فرهنگ متفاوت) می‌تواند بررسی و گزارش گردد و سپس در آخر محقق می‌تواند عنوان کند که به دلایل تفاوت فرهنگی، لزوم به انجام تحقیق بومی وجود دارد. ثانیاً علی‌رغم این که محقق می‌خواهد یک تحقیق کیفی انجام دهد، ولی این مسأله دال بر آن نیست که تحقیقات کمی در موضوع موردنظر، مورد بررسی و نقادی قرار نگیرد. محقق می‌تواند در مرحله آخر بررسی و نقادی خود استدلال کند که تحقیقات کمی انجام شده علی‌رغم وسعت، از عمق لازم برخوردار نبوده یا این که تصویر کاملی از همه اجزاء پدیده موردنظررا فراهم نمی‌کند. ثالثاً بسیاری از مطالعات انجام شده قبلی (چه کمی و چه کیفی) هر چند کاملاً مشابه با تحقیق کنونی نباشند، اما ممکن است به گونه‌ای با آن مرتبط باشند. برای مثال ممکن است محققی علاقه‌مند باشد که تجربیات دانشجویان را در زمینه یک روش آموزشی یا یک واحد درسی جدید در بالین بسنجد. هر چند ممکن است در این موضوع اختصاصی، مطالعه‌ای کاملاً مشابه‌ای یافت نشود، اما با کمی صبر و حوصله احتمالا بتوان تحقیقات قبلی را با یک روش آموزشی یا یک واحد درسی نسبتاً مشابه یا در یک گروه دیگر از دانشجویان یافت نمود.

۲- عدم بیان تجربیات و علائق محقق

ازجمله مشکلات دیگر در بسیاری از مقالات کیفی، عدم توضیح محقق در مورد تجربیات کلی خود در زمینه موردنظر، علائق و سوابق خود است که در بسیاری از موارد خود دلیل اصلی شروع و ادامه مطالعه است. این تجربیات به طور معمول در قسمت مقدمه (ضرورت) می‌تواند ذکر گردد. در این زمینه به پیشنهاد زیر در پاسخ به داوری یک مقاله توجه کنید:

"تجربه محققان در ارتباط با موضوع حتی‌المقدور ذکر شود. در تحقیقات کیفی محقق خود ابزار است و دانستن زمینه و سوابق آنها می‌تواند برای خوانندگان درتفسیر نتایج کمک‌کننده باشد".

بر خلاف رویکرد کمی که یک تئوری مشخص را آزمایش کرده یا روابط بین متغیرها را تعیین می‌کند، مطالعات کیفی به مشارکت‌کنندگان این امکان را می‌دهد تا حوادث را تفسیر کرده و به آنها معنی و مفهوم بدهند. علاوه بر این در تحقیقات کیفی، خود محقق نیز می‌تواند به صورت کاملاً فعال در تمامی مراحل تحقیق درگیر شده و توصیفات عمیقی از بیانات مشارکت‌کنندگان داشته باشد. این مسأله به مفهوم تفسیر به رأی کردن بر اساس نظریات خود محقق نیست، بلکه تفاسیر محقق باید بر اساس اطلاعات و ریشه در آنها داشته باشد. به عبارت دیگر، در تحقیقات کیفی محقق از شروع تا پایان فرآیند به شکل کاملاً فعال عمل کرده تا واقعیت را در محیط طبیعی خود کشف کند(٤). لذا بهتراست که محقق در قسمت مقدمه، به طورمختصر در مورد تجربیات خود در زمینه موردنظر و یا چگونگی علاقه‌مند شدن خود به موضوع

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-10]

موردنظر صحبت کند. بدین ترتیب زمینه آشنایی هر چه بیش‌تر خوانندگان با اهمیت موضوع، موثق بودن داده‌ها و معانی به دست آمده و تفاسیر بعدی که محقق از نتایج در مرحله بحث ارائه می‌کند، فراهم می‌گردد. در مواردی که محقق تجربه خاصی در زمینه موردنظر یا سابقه مواجهه با پدیده مورد بررسی را ندارد، اشاره به عدم وجود چنین پیشینه‌ای می‌تواند برای خوانندگان مفید باشد.

۳- عدم نوآوری موضوع

یکی از مشکلات اساسی که تقریباً دربسیاری از مقالات از جمله پرستاری وآموزش پزشکی به چشم می‌خورد آن است که مقالات در خیلی موارد حاوی نکته یا پیام جدید یا جذابی نیست. این مسأله بوضوح در بخش مقدمه و بحث یافته‌ها مشهود است. پیشنهاد زیر مکررا در داوری مقالات مختلف ذکر شده است:

"*مطالعه چه نکته جدید و جذابی دارد، باید مورد تأکید قرار گیرد. بسیاری از موارد ذکر شده در این مطالعه در مطالعات دیگر مرتبط با مسائل و مشکلات آموزش بالین مورد تأکید قرار گرفته است*".

به نظر می‌رسد در مورد برداشت ازاین که اصولا منظور ازاین که مقاله چه پیام یا به طریق اولی چه پیام جدیدی را منتقل می‌کند، یک سردرگمی بین نویسندگان، داوران و حتی سیاست‌گذاران مجلات وجود دارد. دلیل دیگر این مشکل ممکن است این باشد که محقق تصور کند که جرقه این کار تحقیقاتی برای اولین بار در ذهن وی زده شده است، غافل از این که تحقیقات و گزارش‌های مشابه یا مرتبطی در آن زمینه وجود دارد و مفهوم موردنظر، قبلاً در یک گروه یا موقعیت مشابه یا مرتبط دیگر مورد بررسی قرار گرفته است. بالاخره آن که، بسیاری از مطالعات کیفی از یک دیدگاه تئوریک خاص پیروی نمی‌کنند و به عبارت دیگر به وضوح مشخص نیست که جایگاه محقق در کجا است. لذا درست است که مطالب در قالب طبقات دسته‌بندی و ارائه می‌گردد، امادر خیلی موارد، در مجموع مقاله حالت خنثی داشته و آن‌گونه که باید صدای مشارکت منتقل نمی‌شود و جذابیت لازم رابرای خوانندگان به همراه نمی‌آورد.

در راستای ارتقای نوآوری، محققین می‌توانند تا با جستجوی وسیع‌تر، زمینه‌های بکر (paucity of research) و نیازمند به تحقیق بیش‌تر را شناسایی کنند. همچنین محققین می‌توانند در صورت احساس ضرورت، موضوعی که قبلاً تحقیق شده را از منظر دیگر مورد توجه قرار دهند. مثلاً می‌توانند به جای ارائه صرف طبقات به صورت سطحی، از رویکرد پدیده‌شناسی به آن مفهوم نگریسته و ماهیت آن را هر چه بیش‌تر وعمیق‌تر تبیین کنند. همچنین محقق می‌تواند یک رویکرد مبتنی بر تئوری زمینه‌ای اتخاذ و به این ترتیب فرآیند موردنظر را هر چه بیش‌تر اکتشاف کند. بالاخره ممکن است در بسیاری از حوزه‌ها که تقریباً ماهیت و فرآیند پدیده موردنظر مشخص شده است، محقق یک رویکرد ترکیبی مبتنی بر فلسفه عملگرایی (pragmatism) اتخاذ کند. به این ترتیب در یک تحقیق منفرد، محقق ممکن است به عنوان مثال ابتدا پدیده موردنظر را در یک مطالعه کیفی تبیین و سپس بر اساس آن در مرحله کمی مداخله‌ای را طراحی کند.

۴- دید گاه فلسفی (روش‌شناسی) نامناسب

یکی از مسائل شایع درمقالات کیفی آن است که در بسیاری از موارد به نوع مطالعه کیفی، نظیر پدیدارشناسی، تئوری پایه و قوم‌شناسی اشاره نشده است. به این ترتیب مبنای فلسفی که تحقیق بر آن بنا شده و در واقع محقق از آن پیروی می‌کند و باید در کل جریان تحقیق به چشم بخورد، مشخص نیست. در این‌گونه موارد عموماً محققان به سمت انتخاب آنالیز محتوا (content analysis) گرایش دارند که به نظر بسیاری از محققان کیفی ممکن است بیش‌تر یک روش تحلیل باشد تا

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-10]

یک روش تحقیق کیفی مجزا؛ البته در این انتخاب خود نیز عموماً فراموش می‌کنند تا مشخص کنند که روش آنالیز محتوای انتخابی چه بوده است، برای مثال جهت دار (directed یا قراردادی (conventional). توصیه زیر در پاسخ به یکی از مقالات داوری شده است:

"با توجه به این که از تحلیل محتوا استفاده شده است لازم است که نوع تحلیل محتوا مشخص گردد بر اساس ان روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به دقت مشخص گردد".

اما مشکل شایع‌تر و البته جدی‌تر آن است که در خیلی موارد محقق ادعای انتخاب نوع پژوهشی را می‌کند که در واقع با آنچه عملا انجام داده چندان همخوانی ندارد. برای مثال محقق مدعی شده که پدیدارشناسی انجام داده ولی از نوع سؤالات ساختاردار، روش تحلیل و طبقات ارائه شده به خوبی مشخص است که مطالعه تنها واجد جنبه‌هایی از یک مطالعه پدیدارشناسی است؛ یا محقق مدعی استفاده از تئوری پایه است، در حالیکه نمونه‌گیری تئوریک انجام نشده، تجزیه و تحلیل کامل اطلاعات بر اساس آن (کدکذاری باز، محوری و انتخابی) انجام نشده، یادآور وجود ندارد، هیچ تئوری توسعه نیافته و خبری از متغیر مرکزی نیست. به مثال زیر توجه بفرمایید:

"اگر مطالعه فنومنولوژی است چرا از متدولوژی‌های آنالیزمختص خود فنومنولوژی مانند کلایزی استفاده نشده است؟ اگر تحلیل محتوا است نوع آن ذکر گردد".

همان‌طور که قبلاً در قسمت روش ذکر شد، در این موارد استفاده از سایر روش‌های کیفی نسبتاً منعطف‌تر مثل روش تحقیق کیفی از نوع توصیفی- اکتشافی می‌تواند کمک‌کننده باشد. برای مثال به توصیه‌های‌ای زیر توجه کنید:

"در روش، این که چرا این مطالعه پدیدارشناسی است نیاز به استدلال دارد. تحقیق به خوبی در قالب یک تحقیق از نوع کیفی توصیفی اکتشافی یا تحلیل محتوا می‌تواند گنجانده شود. به خصوص که جریان مصاحبه با یکسری سؤالات از پیش تعیین شده هدایت شده است .در نهایت نوع مطالعه کیفی شما چیست؟ اگر مطالعه گراندد است که باید همه اجزا آن ذکر شود در غیر این صورت چون بخشی از اجزا ذکر شده، مطالعه می‌تواند کیفی از نوع توصیفی-اکتشافی باشد".

در هر حال انتخاب این رویکرد به معنای هرج و مرج در انجام تحقیق نیست بلکه حتماً باید تناسب سؤال و روش تحقیق وجود داشته باشد و نباید از فلسفه بنیادی تحقیقات کیفی تخطی کرد.

۵- عدم بیان جزییات روش

یکی از مشکلات اساسی در قسمت روش بسیاری از مقالات بررسی شده عدم اشاره به بسیاری از جزییات مربوط به روش مطالعه است. از جمله پیشنهاداتی که در پاسخ به داوری بسیاری از مقالات وجود دارد آن است که جزییات اطلاعات در مورد زمان و مکان انجام تحقیق، نحوه تجزیه و تحلیل اطلاعات، نحوه اطمینان از صحت و استحکام اطلاعات، نحوه دسترسی به مشارکت‌کنندگان خصوصاً مشارکت‌کنندگان‌های اولیه، مشخصات دموگرافیک مشارکت‌کنندگان، نحوه اخذ رضایت آگاهانه (کتبی یا شفاهی)، نمونه‌ای از سؤالات مصاحبه و این که آیا تحقیق یک طرح مصوب بوده یا خیر، وجود ندارد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

"در روش جزییات هر چه بیش‌تر از روش‌ها نظیر مشخصات بیش‌تری از مشارکت‌کنندگان، نحوه نمونه‌گیری خصوصاً نحوه دسترسی به نمونه‌های اولیه ذکر شود.آیا از روش گلوله برفی هم استفاد شد؟"

"نحوه مدیریت جلسه‌ها باید با جزییات مشخص شود. مثلاً در جلسه گروهی چگونه توافق صورت می‌گرفت؟ به نظر می‌رسد که انگار مصاحبه‌های فردی بوده نه بحث گروهی"؟

"مشخص نیست منظور از مصاحبه‌های شماچیست و چه تفاوتی با مصاحبه‌های عمیق داشته، چه تعداد مصاحبه انجام شده و به طور کلی از این‌گونه مصاحبه‌های

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-10]

غیررسمی و مشاهدات چگونه در تحلیل اطلاعات استفاده شده، و هر مصاحبه چقدر طول کشیده است. در کل لازم است اطلاعات بیش‌تری از روش‌های استفاده شده فراهم گردد".

بسیاری از نویسندگان، ممکن است این پیش فرض را داشته باشند که احتمالا خوانندگان و شاید داوران مقالات اطلاعات محدودی در زمینه روش‌های کیفی داشته باشند. لذا در خیلی موارد یک جمله کلی از روش کار خود گفته و در حمایت آن شرح نسبتاً مبسوطی از منابع ارائه می‌کنند. در هر حال، بدون ذکر جزییات مطالعه، امکان تکرار مجدد تحقیق و حسابرسی دقیق وجود نداشته و لذا ممکن است به صحت اطلاعات به دست آمده خدشه وارد شود(۱۳). در مجموع توصیه می‌شودکه محقق به جای کلی گویی و آموزش روش تحقیق کیفی، بجز موارد خاص، در قسمت روش از توضیح طولانی آنچه که در کتابهای مرجع یافت میشود، خودداری کند. در عوض تا آنجا که امکان دارد، جزییات بسیار دقیقی از روش کار خود را ارائه کند.

۶- اشباع ناکافی اطلاعات

یکی از مسایل بسیار مهم دیگر در قسمت روش، کفایت نمونه (خصوصاً مشارکت‌کنندگان) است. در این مورد همان‌طور که انتظار می‌رود اکثریت محققان به اشباع تئوریک اطلاعات اشاره می‌کنند. اما واقعاً مشخص نیست که آیا اشباع برای همه طبقات حادث شده است یا خیر؟ در این زمینه به مثال زیر توجه کنید:

"در روش، کفایت نمونه (مشارکت‌کنندگان) چگونه حاصل شد؟ آیا اشباع حاصل شد؟ نویسندگان محترم با استناد به منابع معنی درون مایه رامشخص نمایند. چون به نظر هیچ کدام از چهار درون مایه اشاره شده درون مایه نیستند مگر این که نویسندگان استدلالی برای کار خود را داشته باشند. قضاوت در موردیافته‌ها و بحث باید موکول به پاسخ نویسندگان به سؤال فوق باشد".

همان‌طور که منابع اشاره کرده اند اشباع یافته‌ها خود یک مسأله چالش‌دار بوده و در عالم واقع اگر محقق به مدت طولانی و سخت (long and hard) به اطلاعات نگاه کند، همیشه موارد جدیدی می‌تواند کشف شود. اما در زمان کنونی که تحقیق انجام می‌شود، اطلاعات جدید، به توصیف هر چه بیش‌تر مفهوم موردنظر کمک نمی‌کند(۱٤). اما همان‌طور که منابع اشاره می‌کنند، طبقات اصلی که قدرت توصیفی بالایی دارند باید هر چه که امکان دارد به صورت کامل اشباع گردند(۱۵). با این وجود شواهدی وجود دارد که حتی طبقات اصلی هم به خوبی اشباع نشده‌اند. برای مثال علی‌رغم محدود بودن تعداد مشارکت‌کنندگان، تعداد زیادی از طبقات و زیر طبقات در قسمت نتایج ذکر شده که بسیاری از آنها یا اصلاً توضیح داده نشده یا در مقایسه با سایر طبقات از نظر حجم مطالب متنی کم‌تر توسعه یافته و بسیار محدود هستند. یا این که مثال‌های ذکر شده ممکن است به صورت یک جمله بسیار کوتاه و تیتروار بوده و نتواند پیچیدگی طبقه موردنظر را منعکس کند. همچنین در برخی موارد زیر طبقات یا حتی طبقات با یکدیگر همپوشانی بالایی داشته و به راحتی با یکدیگر قابل ادغام هستند. در مواردی هم محقق جهت درک بهتر خوانندگان، طبقات و زیر طبقات را به دو شکل متنی و در قالب یک جدول ذکر می‌کند که بعضی از موارد این دو با هم‌خوانی ندارد و یا این که اصلاً توضیح داده نمی‌شود.

نکته مهم دیگر آن است که در بعضی موارد، نحوه انتخاب نام برای طبقات (برچسب) نیز گیج‌کننده است. مثلاً نام بعضی از طبقات به گونه‌ای انتخاب شده که بار منفی دارد (برای مثال نقص محیط آموزشی) ولی نام طبقه دیگر حالت خنثی دارد (به طور مثال مربی بالینی). بالاخره بعضی از طبقات ارائه شده با سؤال پژوهش ارتباط چندان واضحی نداشته و می‌تواند به راحتی حذف شود. مثال زیر توصیه‌ای است که به یکی از نویسندگان در نوبت دوم داوری ارائه شده است:

"مشکل اصلی این طرح – همان‌طور که قبلاً نیز اشاره

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-10]

گردید- در مضامین بیان شده است که همچنان از ساختار و غنای کافی برخوردار نیست. این مسأله ممکن است با تعداد کم نمونه در ارتباط باشد یا این که محققین هنوز نتوانسته اند به خوبی اطلاعات را سازمان‌دهی کنند. مثلاً نحوه بیان زیر مضمون‌ها به این اختصار مرسوم نیست. همچنین بعضی از مضامین با یکدیگر همپوشانی داشته و به طور دقیق تمایز آنها از یکدیگر مشکل است. توصیه می‌شود اگر مشارکت‌کنندگان در دسترس هستند مصاحبه‌های فردی یا گروهی بیش‌تری صورت گیرد تا بر غنای کار افزوده شود. به طور خلاصه در حال حاضر مضامین از غنا و ساختار مناسب برخوردار نیستند".

لذا لازم است تا محقق از ابتدا، جریان تحقیق را به خوبی هدایت کرده به نحوی که اشباع طبقات اصلی به خوبی حادث گردد. در صورت لزوم، محقق می‌تواند به مشکلات موجود در زمینه اشباع از جمله کمبود زمان و منابع که ممکن است فرایند اشباع بعضی از طبقات را تحت‌الشعاع قرار داده باشد و سایر محدودیت‌های پژوهش به شکل صادقانه اشاره کند. در هر حال همواره باید توجه داشت که تحقیق در فضا صورت نمی‌گیرد و بهترین تحقیقات هم مشمول محدودیت‌هایی می‌گردند. همچنین لازم است در انتخاب بر چسب طبقات، میزان انتزاعی بودن آنها و خنثی بودن یا نبودن آنها با توجه به نوع مطالعه دقت بیش‌تری مبذول گردد.

بحث

در این مقاله، بعضی از مشکلات مربوط به مقالات کیفی در حوزه سلامت در مرحله داوری، دسته‌بندی و مرور گردید. بخش قابل توجه‌ای از مشکلات طبقه‌بندی شده متوجه محقق و در واقع اشکال در فرآیند اصلی تحقیق است. تحلیل نتایج نشان می‌دهد که مشکلات حالت کاملاً مرتبط و چرخه‌ای داشته و مشکلات یک طبقه منجر به توسعه مشکلات در طبقه دیگر گردیده است. مثلاً چون خلاء موجود به خوبی تبیین نشده، محقق به خوبی ندانسته که در پی چیست و به این ترتیب سؤال نامناسبی را مطرح کرده و لذا اشباع اطلاعات حادث نگردیده است. به این ترتیب بحث یافته‌ها ممکن است ابتر باقی مانده و پیام جدیدی به خوانندگان منتقل نشده باشد. محقق باید به این نکته توجه داشته باشد که ماهیت مطالعه کیفی عموماً نیازمند آن است که محقق برای یک مدت طولانی با پدیده موردنظر اشتغال ذهنی داشته باشد. لذا محقق باید از شروع تحقیق یک تصویر کلی از آنچه تا آخر فرآیند تحقیق حادث می‌شود را در نظر گرفته و با انجام تحقیق بتواند جزییات آن تصویر را تکمیل کند(۱۳). در نهایت گزارش تحقیق باید بتواند به صورت کاملاً پیوسته و منسجم جریان تحقیق (یا به عبارت دیگر روایت تحقیق) را منعکس و خلاء موجود را تکمیل کند(٤).

از طرف دیگر بسیاری از مجلات - از جمله مجلاتی که مقالات در حال داوری آنها مورد نقادی قرار گرفت- هر دو نوع مقالات کمی و کیفی را منتشر می‌کنند. گزارش تحقیقات کمی در قالب اعداد و ارقام بیان می‌شود و به نظر می‌رسد در مقایسه با تحقیقات کیفی، محققان چندان با محدودیت کلمات روبرو نباشند. اما در مورد تحقیقات کیفی، عموماً نویسندگان با یک چالش اساسی روبرو هستند، چون آنها باید اطلاعات متنی قابل توجه‌ای را از مشارکت‌کنندگان خود منعکس کنند و لذا با محدودیت لغات روبرو می‌شوند. در این میان بخشی از نویسندگان جهت مدیریت حجم لغت در یک مقاله، ترجیح می‌دهند تا تنها بخشی از مضامین (درون مایه یا تم) خود را در یک مقاله منتشر کنند و انتشار مابقی مضامین را به مقاله‌ای دیگردر همان مجله و البته بیش‌تر در مجله دیگر، واگذار کنند. این مسأله ممکن است ضمن خدشه به تمامیت و عمق تحقیق، نویسنده را با پدیده غیر اخلاقی انتشار تحقیقات تکه‌تکه (salami slicing) روبرو کند(١٦). تیم سردبیری مجلات می‌توانند برای مقالات کیفی حجم لغات بالاتری را در نظر بگیرند. همچنین ممکن است در سیاست‌گذاری‌های خود به نویسندگان این اجازه را بدهند

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-10]

که بخشی از مضامین کاملاً مرتبط از یک کار بزرگ را در یک مقاله و بخشی دیگر را در مقاله دیگر از همان مجله یا مجله دیگر به چاپ برسانند. در هر حال لازم است که نویسندگان از ابتدا در این زمینه با تیم سردبیری مجلات به توافق برسند. آنچه مسلم است باید قسمت روش واجد جزییات لازم (از جمله این که مقاله جزوی از یک کار بزرگ‌تر است) باشد. در صورتی که بخشی از نتایج این مطالعه قبلاً در مجله‌ای چاپ شده است، لازم است که ارجاع مناسب به آن داده شود.

باید توجه داشت که مشکلات مطروحه مرتبط با مقالات کیفی در مرحله داوری و قبل از انتشار مقاله استخراج شده است. بدون شک بسیاری از این نقایص قبل از انتشار برطرف و یا این که در صورت عدم انجام و یا عدم کفایت اصلاحات، مقاله از گردونه انتشارات مجله خارج شده است. با این وجود لازم است که وجود این‌گونه مشکلات در مقالاتی که از فیلترهای مختلف داوری گذشته و موفق به چاپ شده اند نیز رصد گردد. به این ترتیب مشکلات اساسی‌تر هر چه بیش‌تر شناسایی می‌شودکه در نهایت می‌تواند به ارتقای کیفی مقالات کمک کند.

یافته‌های این نقد باید در کنار محدودیت‌های آن مورد توجه قرار گیرد. این مقاله در واقع به مرور و نقادی برخی از مشکلات مطرح در مقالات کیفی در مرحله داوری پرداخت که عمدتاً توسط نویسنده این مقاله مورد کارشناسی قرار گرفته بودند. این نکته را نباید از نظر دور داشت که درک از تحقیقات کیفی ممکن است خود کیفی باشد و ممکن است نظرات داوران دیگر کم یا بیش با این نظرات متفاوت باشد. به عبارت دیگر در بعضی موارد ممکن است برداشته‌های متنوعی از جنبه‌های مختلف تحقیقات کیفی بین اساتید و محققان این حوزه وجود داشته باشد. به طور مشابه با سایر رشته‌ها، تفاوت در برداشت‌ها، ممکن است اتفاق نظر بین محققان کیفی و در نتیجه انجام، نگارش و نقد مقالات این‌گونه را متاثر کند. با این وجود در این نوشتار سعی شد تا جهت اطمینان از صحت هر چه بیش‌تر طبقات، نظرات سایر اساتید و داوران مقالات کیفی نیز لحاظ و به مسائلی پرداخته شود که اجماع نظر بیش‌تری بر سر آنها وجود دارد و مسائل با تکرار و اهمیت کم‌تر مورد بررسی قرار نگرفت. در این مقاله، مقالات نسبتاً قابل توجهی در مرحله داوری از مجلات ایرانی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان مورد نقادی قرار گرفت؛ اما مجلات مورد بررسی اقدام به انتشار هر دو نوع مقالات کمی و کیفی می‌کنند. لازم است که مشکلاتی از این دست در مجلات غیر از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان خصوصاً مجلاتی که صرفاً مقالات کیفی را چاپ می‌کنند نیز بررسی شود. همچنین لازم است که مشکلات مطروحه و سایر مواردی که ممکن است به آنها پرداخته نشده باشد بعد از پذیرش و انتشار مقالات کیفی در مجلات نیز مورد بررسی عمیق قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

نقد بر مقالات نگاشته شده با رویکرد کیفی در مرحله داوری(قبل از انتشار) نشان داد که برخی از مشکلات این مقالات ممکن است عدم بیان خلاء (چالش) موجود در مطالعات قبلی که ضرورت مطالعه را ایجاب کرده، عدم بیان تجربیات و علایق پژوهشگر که می‌تواند در تحلیل و تفسیر بعدی از نتایج نقش اساسی ایفا کند و فقدان یک پیام جدید یا جذاب باشد که تحقیق در واقع برای انتقال آن پیام انجام شده است. همچنین انتخاب روش‌شناسی نامناسب و یا عدم متابعت کامل از روش‌شناسی مورد ادعا که در واقع مبنای فلسفی مطالعه است، جزییات ناکافی از روش‌های مورد استفاده که صحت و استحکام اطلاعات را تأیید وطرح را قابل حساب‌رسی و تکرار مجدد می‌کند، و بالاخره عدم اشباع کافی طبقات اصلی که عمق یافته‌ها را نشان می‌دهد، از جمله نقصان‌هایی است که در نقد مقالات کیفی به چشم می‌خورد.

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-10]

یافته‌های این نقد ممکن است برای نویسندگانی که گزارش تحقیقات کیفی خود را آماده ارسال به مجلات می‌کنند، جهت ارتقای کیفی آنها مفید باشد. با این وجود ممکن است خوانندگان از یافته‌های این مقاله برای نقد مقالات کیفی بعد از انتشار نیز استفاده کنند. محققان و دانشجویان خصوصاً در مقاطع تحصیلات تکمیلی ممکن است از نتایج این نقد جهت انجام و گزارش بهتر طرح‌های تحقیقاتی و گزارش نهایی تحقیقات خود سود ببرند. همچنین سردبیران و سیاست‌گذاران مجلات ممکن است با توجه به مشکلات و پیشنهادات ارائه شده بتوانند ابزارهای بهتری را برای نقد مقالات کیفی ارسالی، پذیرش یا رد مستدل آنها فراهم سازند. در نهایت این مقاله در خدمت آنهایی است که یافته‌های تحقیقاتی خوبی را در حوزه تخصصی خود یافته‌اند، اما نمی‌دانند چگونه به بهترین شکل آن را ارائه کنند.

قدردانی

نویسنده از اساتید و داوران محترمی که با مرور طبقات، نقادی و ارائه نظرات اصلاحی، به ارتقای کیفی این مقاله کمک کردند و همین‌طور مسؤولین و کارشناسان محترم مجله که انتشار مقاله را تسهیل کردند، کمال تشکر و قدردانی را می نماید.

منابع

1. Bahrami M. Why differences exist? an interpretive approach to nurses' perceptions of cancer patients' quality of life. Iran J Nurs Midwifery Res. 2011; 16(1): 117-24.
2. Bahrami M. Meanings and aspects of quality of life for cancer patients: a descriptive exploratory qualitative study. Contemp Nurse. 2011. 39(1): 75-84.
3. Bahrami M. Keshvari M, Adelmehraban M. [Tahghighate tarkibi dar parastary va sayere oloume pezeshki]. Isfahan: Isfahan University of Medical Sciences; 2013. [Persian]
4. Burns N, Grove SK. Understanding nursing research : building an evidence-based practice. 5thed. Elsevier Saunders; 2011.
5. Bryman A. Quantity and quality in social research(Contemporary social research series). Boston: Unwin Hyman; 1988.
6. Schneider Z, Whitehead D, Biondo-wood GL, Haber J. Nursing and midwifery research methods and appraisal for evidence-based practice. Sydney: Mosby Publishers; 2007.
7. Annells M. What's common with qualitative nursing research these days?. J Clin Nurs. 2007; 16(2): 223-224.
8. Sandelowski M. Whatever happened to qualitative description?. Res Nurs Health. 2000; 23(4): 334-340.
9. Sandelowski M. Combining qualitative and quantitative sampling, data collection, and analysis techniques in mixed-method studies. Res Nurs Health. 2000; 23(3): 246-255.
10. Windle P. Obstacles and drawbacks to avoid in qualitative nursing research. J Perianesth Nurs. 2011; 26(3): 173-5.
11. Hoye S, Severinsson E. Methodological aspects of rigor in qualitative nursing research on families involved in intensive care units: a literature review. Nurs Health Sci. 2007; 9(1): 61-8.
12. Bahrami M, Arbon P. How do nurses assess quality of life of cancer patients in oncology wards and palliative settings? Eur J Oncol Nurs. 2012;16(3): 212-9.
13. Grove SK, Burns N. The practice of nursing research : appraisal, synthesis, and generation of evidence. 6thed. Elsevier Saunders; 2008.
14. Corbin J, Strauss A. Basics of qualitative research : techniques and procedures for developing grounded theory. 2nded. Sage Publications; 1998.
15. Glaser B, Strauss A. The discoveryof grounded theory; strategies for qualitative research. Observations. Chicago: Aldine Pub; 1967.
16. Norman L, Griffiths P. Duplicate publication and 'salami slicing': ethical issues and practical solutions. Int J Nurs Stud. 2008; 45(9): 1257-60.

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-10]

A Critical Review of Qualitative Articles in Journals' Review Process: a Descriptive Exploratory Study

Masoud Bahrami[1]

Abstract

Introduction: *Iranian researchers have increasingly been interested in conducting qualitative research studies in health system and publishing related articles. However, no research study was found to critically analyze qualitative articles in the review process of Iranian journals. The aim of this study has been to critically review qualitative articles in the review process of journals.*
Methods: *This descriptive exploratory qualitative study was conducted from 2007 to 2014 and more than 110 articles that were sent by some Iranian journals to the author of this article for a blind review were qualitatively analyzed. The subject of these articles was mainly related to nursing, midwifery and medical education. Data was analyzed through two phases of open coding and axial coding of Strauss and Corbin.*
Results: *Some problems in reviewed articles included lack of a clear statement about the challenge (gap) in previous research studies, not mentioning researchers' experiences or interests and having no new or attractive message for which the research was actually conducted. Others problems included irrelative methodology, not detailed description of used methods, and not enough saturation of main categories.*
Conclusion: *Results indicated that problems categorized in reviewed articles were completely interrelated in a way that one problem has led to development of another one. In addition to issues related to article writing, many problems turned back to the conducting phase of the research project. Findings of this study might be used as an instruction for researchers to better conduct qualitative research studies and publish related findings.*

Keywords: Qualitative research, medical journalism, qualitative research, journal article, article review, nursing, medical education, descriptive exploratory qualitative study.

Addresses:
(✉) Associate Professor, Department of Adult Health Nursing, Nursing and Midwifery Care Research Center, School of Nursing and Midwifery, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran. E-mail: bahrami@nm.mui.ac.ir

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-10]